

آیا میشود:

تنها بعنوان زمامداری دلخوش بود؟

عثمان بن حنیف مردی از صحابه پیغمبر (ص) و از جمله انصار بود، در تشیع و پیروی امام علی (ع) نیز تا آخر عمر ثابت و پایدار ماند، در زمان حکومت امام، فرمانداری بصره را بعهده داشت، در روزگار فرمانداری در یک مهمانی اشرافی شرکت جست، بدین مناسبت نامه‌ای از طرف امام، بعنوان توییح و نصیحت بنام او صادر گردید اینک قطعه‌ای از آن نامه

فرزند حنیف! بمن خبر داده‌اند که مردی از جوانمردان بصره ترا بمهمانی دعوت کرده‌است، تو نیز باشتایزدگی ایندعوت را اجابت نموده‌ای، در آن مهمانی سفره‌ای رنگین برایت گسترده‌اند، غذاهای عالی، میوه‌های لذیذ، نوشابه‌های گوارا بحدوفور وجود داشته‌است تو نیز شکمی از عزا درآورده‌ای.

نه! من هرگز گمان نمی‌کردم تو بدین‌گونه مهمانی‌ها قدم بگذاری، مهمانی‌که نیازمندان ابدًا بآن راه ندارند و در عوض تابخواهی پولداران و ثروتمندان دعوت شده‌اند درخور شأن تو نیست.

فرماندار! من یقین دارم که تو دست پمال حرام دراز نمی‌کنی از این جهت نیازی ندارد که در این باره بتو سفارش کنم، بلکه می‌گویم! مواظب باش غذائی که می‌خوری شبهه ناک نباشد، اگر احتمال هم میدهی که از راه نامشروع تهیه شده باشد از خوردن آن صرفنظر کن و اگر یقین داری که حلال و پاکیزه است تناول کن که نوشت باد!

فرزند حنیف! مگر نه این است که تو خود را پیرو من میدانی و مگر نه این است که هر مأمومی امامی دارد و هر پیروی پیشوائی، بشنو! تا شطری از حالات پیشوایت را برایت بازگو کنم: پیشوای شما از دنیا و کالای رنگینش بیگ دست لباس کهنه قناعت کرده و از همه خوردنیهای لذیذش بدو قرص نان جوین ساخته.

هان که من خوب می‌دانم: شما نمی‌توانید همانند من رفتار کنید و باینمقدار از خوراک و لباس قناعت ورزید و لکن مرا بپاکدامنی و عفت نفس و ترس از خدا و اجتناب از شبهات یاری کنید، بخدا سوگند! من از دنیای شما گنجی نیندوخته‌ام، طلا و نقره و نقدینهای رویهم نگذاشته‌ام از متاع و کالای آن، از غنایم بیشمارش چیزی

ذخیره نکرده‌ام ، از این بالاثر بگویم : برای کهن جامه‌ام لباس دیگری اعم از نو یا کهنه تهیه نکرده‌ام از این همه زمین خدا يك وجب حيازت نکرده‌ام ، و از محصول آن بقوت لایموتی ساخته‌ام ، اوه ! که این دنیا با اینهمه جلال و جبروتش در نظر من از بلوط تلخی بیمقدارتر است آری زیر این آسمان کیوداز همه املاک و اراضی ، دهات و مستغلات يك «فدك» در دست‌ما بود که آنهم مورد طمع مردمی قرار گرفت نسبت بآن حرص ورزیدند و مردمی نیزبادست و دل باز از آن چشم پوشیدند - از این داستان بگذریم که بهترین داورها خداست - و اصولاً تنی که فردا در قبر میخوابد املاک و مستغلات برای چه می‌خواهد؟ با فدك و غیر فدك چه می‌کند؟

اوه ! که در لحدتاریك یکباره آثار حیات قطع می‌شود ، و اخبارش در دل خاک نهان می‌گردد ، و ه که چه گودالسی ! گودالسی که اگر گورکن اندکی سخاوت بخرج دهد و فسیح‌تر بکند باز سنگها و خاکهای متراکم آنرا پرمی‌کنند و بدنرا در تنگنا قرار میدهند، برای آنروز چه باید کرد؟

منکه خویشتن را بریاضت تقوی عادت میدهم تا در روز بازپسین ، روز ترس بزرگ در کمال ایمنی بدانجا واردشوم ، و در آنجا که گامها لرزان است با قدمهایی استوار پای‌نهم !

الا ای فرماندار ! تو خوب میدانی که اگر بخواهم به مغز گندم و عسل مصفا و بافته‌های ایریشمین برای تهیه خوراك و لباس ، راه دارم و لکن هیئات که هوای نفس بر من غالب شده و شدت حرص و آز مرا به اختیار غذاهای لذیذ مشغول کند چه : شاید در

بقیه از صفحه ۶۷

آفتاب عالم‌تاب وجود امام زمان علیه‌السلام هم در زمان غیبت مانند آفتاب پنهان در ابراست که در هر حال وظیفه خود را انجام میدهد ، ولی البته این معنی را همه کس درك نمی‌کند ، کارشناسان فن و افراد دانشمند و باایمان میدانند ، و بی‌اطلاعی اکثریت افراد جامعه تأثیری در کار او ندارد . از این گذشته اگر آفتاب در تمام ایام سال آشکار باشد ، بصلاح مردم و سلسله موجودات نیست ، باین معنی که حرارت نور و اثر وجودی آن در جانوران و گیاهان و حتی جمادات عکس‌العمل سوئی خواهد داشت . زیرا اشعه سوزان خورشید بسیاری از آنها را از حال اعتدال خارج می‌سازد و شاید بکلی نابود می‌کند .

ولی هنگامیکه ابرها چهره‌آنها پوشانید ، نور لطیف آن به نحو آرامی در آنها اثر می‌گذارد و باحرارت نسبی ، وظیفه خود را بطور رضایت بخشی انجام میدهد ، و باین کسروانکسارها تعادلی در پرورش و تکامل موجودات پدید می‌آید که صد درصد بنفع عالم انسانی واحد و افراد موجودات است .

خورشید وجود امام غائب نیز بدینگونه در زمان غیبت وظیفه الهی خود را ایفا میکند و نور وجودش به جهان انسانی میرسد ، و غیبت آنحضرت مانع از نفع وجودی او نیست ! زیرا چنانکه گفتیم نور آفتاب از لابلای ابرهم به مردم میرسد .

دورترین نقطه‌های مرزی کشور پهناورم در سرزمین یمامه و حجاز کسانی باشند که شکم سیرزمین نگذارند، مگر می‌شود که من با شکم پر بخوابم و در کشور من شکم‌هایی گرسنه و جگرهایی سوخته پیدا شود؟ یا آنطور باشم که شاعر گفته: این درد ترا بس که سیر بخوابی و اطراف تو کسانی در آرزوی طعام بسر برند.

این درست است که من تنها بعنوان امیر و پیشوای مؤمنین دلخوش باشم ولی در گرفتاریهای روزگار با ملت من شریک نباشم؟ این صحیح است که مرا زمامدار مسلمانها بگویند ولی در تنگنای زندگی رفتارم سرمشق مردم نباشد؟ آنها گرفتار فقر و تهیدستی باشند و من درناز و نعمت بسر برم!

هرگز! هرگز! مگر مرا برای خوردن آفریده‌اند؟ مگر من چارپای کنار طویله بسته شده‌ام که همی جز خوردن نداشته باشم؟ یا گوسفند در علفزار رها شده‌ام که کارم چریدن باشد و از پایان کار خویش غافل؟ راستی خیال می‌کنید ما را بیهوده آفریده‌اند؟ و در این صحرائی بی پایان زندگی مهمل رها کرده‌اند؟ که هر چه دلمان خواست انجام دهیم و با کمال خودسری راه گمراهی و ضلالت پیوئیم.

از گوشه و کنار می‌شنوم که می‌گویند: نان جو چه قوتی دارد که فرزند ابوطالب با خوردن آن بتواند در میدانهای نبرد با قهرمانان شیرافکن پنجه در افکند؟ اینان نمی‌دانند که درخت بیابانی و جنگلی که آبی جز باران نمی‌خورد، چوبش محکمتر و دوامش بیشتر است، بعکس درختانی که در کنار باغ و باغچه می‌رویند و مرتب از دست باغبان آب و کود می‌خورند هیچ دوام ندارند نه طاقت تشنگی دارند و نه می‌توانند در مقابل حوادث باده‌ها و طوفانها ایستادگی کنند اینها نازک‌نارنجی بارآمده‌اند زودهم از پادرمی‌آیند، ولی درختان جنگلی محکم و با استقامت بوده گاه سوختن هم آتشی بیشتر و شعله‌ای زیادتر دارند.

من در ناز و نعمت پرورش نیافته‌ام تا هم اکنون از سختیهای زندگی روگردان باشم بلکه با رسول خدا همچون شاخه‌های یک ریشه یا بتعبیر دیگر ساعد و بازوی یک پیکریم از یک ریشه آب خورده‌ایم، آری من در سسجاعت و شهامت را در مکتب آن استاد خواننده‌ام بخدا سوگند اگر تمام عرب در نبرد با من هماهنگ شوند نه تنها روگردان نیستم بلکه در فرصت مناسب بمیدانشان می‌شتابم! اکنون نیز در صدم بزودی جهادی دامنه‌دار آغاز کنم تا زمین را از لوث این مرد وارونه و عنصر کج فکر و بداندیش (معاویه) پاک‌سازم تا ریشه نفاق بر افتد و سنگ و شن از میان دانه‌های دروشده جدا گردد.

ترجمه قسمتی از نامه ۴۵ از نهج البلاغه محمد عبده ص ۷۸ ج ۲

توضیح و تفسیر:

پس از مطالعه نامه فوق شاید کسانی خیال کنند اگر دین و تقوی در بین

مردم حکومت کند ، مردم باید یکباره قید شکم را بزنند ، مهمانی نروند ، لباس خوب نپوشند ، غذای خوب نخورند ، خانه و مسکن عالی نسازند ، چه خوردن و پوشیدن و استفاده کردن از لذایذ با زهد و تقوی منافات دارد و لذا در حکومت تقوی ممنوع می شود ، فرمانداران بایستی با زندگی فقیرانه ای بسازند و اگر آنها چنین کنند تکلیف سایرین معلوم است در پاسخ این گمان باید بگوئیم خیر! حکومت تقوی لذایذ را حرام نمی کند ، چه قرآن مجید صریحا می فرماید : «ای پیامبران ! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید » امام نیز در نامه ای که برای محمد بن ابی بکر استاندار مصر می نویسد (۱) میفرماید : «بندگان خدا ! پرهیزکاران از امروز دنیا و فردای واپسین - هر دو سود بردند ، یا اهل دنیا در دنیایشان شرکت جستند ولی اهل دنیا از آخرت ایشان بهره ای نبردند ، در دنیا به بهترین وجهی مسکن گزیدند ، و با بهترین وضعی از خوردنیها استفاده کردند ، از لذتهای دنیا همانسان که پولداران و ارباب نعمت بهره بردند آنها نیز لذت بردند و بهره گرفتند ، همان سهمی را که جباران و ستمگران از جهان مادی گرفتند آنها نیز دریافت کردند ، گاه رفتن از اینجهان نیز بازاد و توشه فراوان و تجارتی سودمند بجهان دیگر رفتند ، لذت زهد دنیا را در دنیا چشیدند و با اطمینان خاطر بجوار رحمت پروردگار شتافتند . رفتند در حالیکه یقین دارند که خواسته هایشان در پیشگاه پروردگار رد نخواهد شد و این بهره برداری از دنیا چیزی از لذایذ آندنیایشان نخواهد کاست »

همانطور که ملاحظه می فرمائید امام (ع) زهد و تقوی را نه تنها منافی با استفاده از لذایذ زندگی نمیداند بلکه معتقد است که پرهیزگاران به بهترین وجهی از خوراک و مسکن استفاده می کنند ولی در عین حال لذت زهد را نیز در دنیا می چشند ، زیرا منظور از زهد در اسلام دل بستن بکالای دنیاست باین معنی که انسان برای بدست آوردن مال و جاه و مقام بهر پستی و ذنابتی که مخالف شئون انسانیت است تن در ندهد و خود را بنده و برده ثروت و مقام نسازد ، و برای از دست رفتن آن فوحمسراتی نکند و متوجه باشد که ارزش انسان وابسته بکالای دنیا نیست با توجه باین اصل از متاع دنیا استفاده کند آنوقت لذت زهد و بی رغبتی را درک می کند .

با توجه باین مقدمه می پرسید پس چرا امام (ع) بفرماندارش می نویسد : من هرگز گمان نمی کردم تو بدین گونه مهمانها قدم بگذاری ؟ ... و چرا خود امام (ع) بلباسی کهنه و نانی جوین قناعت می فرموده با اینکه می توانسته از مغز گندم و غسل مضافا غذا تهیه نموده و از بهترین پارچه ها لباس بدوزد ؟

پاسخ این سؤال را در شماره آینده مطالعه فرمائید :